



۹-۳- حجم نقدینگی اقتصاد ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۰)

یکی از مهم‌ترین معیارهای اندازه‌گیری حجم یک اقتصاد برای سیاستگذاری اقتصادی، نقدینگی موجود در کشور است. این مفهوم به این معنی است که کل حجم اسکناس‌ها و اعتبارات افراد در نزد بانک‌ها به چه میزان است. هر چه پول در دست مردم بیشتر باشد سرعت انجام مبادلات تجاری افزایش می‌یابد. از طرفی همواره در جامعه مقدار مشخصی کالا و خدمات وجود دارد که مقدار پول در دست مردم باید با آن متناسب باشد. اگر مقدار پول بیشتر از کالا و خدمات موجود باشد، مردم همان میزان محصول را باید با پول بیشتری خریداری کرده و قیمت‌ها در جامعه بالا می‌رود و برعکس. از طرفی پول زیاد تقاضای مردم برای خرید کالاها و خدمات مختلف را افزایش می‌دهد و اگر محصولات تولیدکنندگان داخلی به اندازه کافی نباشد راه برای ورود کالاها خارجی ارزان قیمت باز شده و رفته رفته مردم کالاها خارجی را جایگزین کالای داخلی می‌کنند که پیامد آن کاهش تولید داخلی و افزایش بیکاری است. این مسأله نشان می‌دهد که حجم نقدینگی در جامعه باید مداوم مورد پایش قرار گیرد و از رشد فزاینده آن جلوگیری شود. روحانی برخلاف احمدی‌نژاد اعتقادی به توزیع و بازتوزیع ثروت نداشت، اما تأکید او بر خلق و تولید ثروت بود و یکی از راه‌های مهار و کنترل تورم را هدایت نقدینگی به سوی فعالیت‌های تولید می‌دانست. او در یکی از سخنرانی‌های خود در دولت یازدهم در مورد برنامه دولت برای اشتغالزایی اعلام کرد که «برنامه اقتصادی من حل معضل

هدایت دولت را در دست گرفت، میزان بدهی دولت به بانک مرکزی ۲۰ هزار میلیارد تومان بود و سال ۹۹ این رقم بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان شد! این بدان معناست که بدهی دولت به بانک مرکزی در طول عمر این دولت امید بیش از ۸/۵ برابر شده است. تصویر شماره ۸ گویای این مسأله است که دولت سیزدهم با چه میزان از بدهی دولت، سکان اقتصاد را به دست خواهد گرفت. (نمودار ۸)

۸-۳- تأمین منابع مالی بودجه

یکی دیگر از شاخصه‌های مورد بررسی در اقتصاد کشور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به شناسایی منابع دولت جهت مقابله با کسری بودجه است. عموماً در اقتصادهای توسعه یافته جهان، مالیات‌ستانی منبع اصلی درآمد دولت‌ها به شمار می‌رود اما در ایران و بر مبنای آمار منتشر شده توسط بانک سازمان برنامه و بودجه کمتر از ۳۰ درصد از منابع دولت در ایران از مسیر مالیات‌ستانی محقق می‌شود (خبرگزاری فارس، آذر ۱۳۹۹) که این رقم در اقتصادهای توسعه یافته جهان به ۹۰ درصد می‌رسد. همچنین، سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی در جهان حدود ۴۰ درصد است (Statista, ۲۰۱۷) که این رقم در ایران کمتر از ۱۰ درصد است (مسیر اقتصاد، آذر ۱۳۹۶). تصویر شماره ۹ به وضوح نشان می‌دهد که دولت‌های یازدهم و دوازدهم چه میزان از منابع پایدار و تورم‌زا در بودجه استفاده کرده‌اند. همان‌طور که قابل مشاهده است در سال‌های ۹۷ و ۹۸ با کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت و عدم پیش‌بینی منابع پایدار نظیر درآمدهای مالیاتی (نمودار ۹)

دولت‌ها بواسطه بانک‌های تجاری به نوعی از بانک مرکزی وام می‌گیرند که این روش هم در میان مدت به تورم می‌انجامد. روش سوم نیز استقراض دولت از صندوق‌های ذخیره ملی همچون صندوق توسعه ملی در ایران است که با ذخایر ارزی خود پشتوانه‌ای برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای به شمار می‌روند.

در سال‌های اخیر بویژه در ده سال گذشته، استقراض دولت از بانک مرکزی به صورت مستمر به عنوان یکی از راه‌های تأمین نیازهای مالی دولت مورد استفاده قرار گرفته است. روند فوق با این مفروض اصلی شکل می‌گرفت که اگر دولت نتواند کسری بودجه را از طریق افزایش مالیات یا انتشار اوراق قرضه (استقراض از بازار بدهی) تأمین کند، اقدام به انتشار پول یا همان استقراض از بانک مرکزی می‌کند. همین استقراض دولت از بانک مرکزی موجب افزایش نقدینگی در گردش و شکل‌گیری تورم بی‌سابقه در دهه گذشته شده است. براساس آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی در ابتدای سال ۱۴۰۰ بدهی دولت به بانک مرکزی معادل ۱۱۵ هزار و ۲۲۰ میلیارد تومان است که این رقم در مقایسه با سال ۹۸ رشد کم‌سابقه ۵۰٫۸ درصدی را نشان می‌دهد (بانک مرکزی ایران، خرداد ۱۴۰۰). باید گفت که در سال گذشته ۳۸ هزار و ۷۹۰ میلیارد تومان از بانک مرکزی استقراض کرده است و این رقم با احتساب ضریب فزاینده ۷٫۵ در سال گذشته، بیش از ۲۹۰ هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی از این محل افزوده است. هنگامی که دولت تدبیر و امید فرمان